

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی

عنوان مقاله

(تبیین جایگاه عقلانیت در آموزه های قرآن و اهل بیت (ع

نگارنده

رقیه الهیاری

مرکز علمی

حوزه علمیه الزهراء میاندوآب

تاریخ تدوین

1400 شهریور ماه

تبیین جایگاه عقلانیت در آموزه های قرآن و اهل بیت (ع)

چکیده

(عقل) به معنای عام کلمه، ملکه ای است که شامل نیروی موثر اخلاقی و مانعی برای کارهای ممنوع و ناپسند؛ می باشد از جمله ویژگی عقلی، ملکه ی ... در انسان است که ملاک فهم و تصور آدمی است و این ملکه با وجود اینکه برای کارهای عقل ... اخلاق و درک اسباب و نتایج کار او ضرورت دارد، گاهی نیز خود مستقلاً اموری را که هیچ ارتباطی به اوامر و نواهی و خوبی ها و بدیها دارد درک می کند.

از جمله ویژگی های عقل این است که دریافت های خود را دقیقاً بررسی و آنها را رو به رو می کند، تا باطن و اسرار نهفته شان را کشف کند و نتایج و احکام خود را بر اساس همان اسرار نهفته بسازد.

قرآن مجید: عقل را مخاطب قرار می دهد و از عقل، به عنوان چیزی سطحی و غیر مکلف نام نمی برد، بلکه از آن به عنوان یک هدف اصلی و به طور مفصل یاد می کند در قرآن مجید، هر جا که سخن از اولوالباب به میان آمده اشاره بر صاحبان آن عقل جامع دارد که همه وجوه عقل اعم از درک و فهم و تمییز و غیره را شامل باشد؛ زیرا حقیقت عقل؛ همانطور که واژه (عقل) در زبان عربی برای معنا دلالت می کند منشأ ادراک و فهم ذهن انسان است.

در روایات پیامبران و امامان معصوم علیه السلام نیز از عقل به عنوان والاترین واژه نام برده شده است.

در این مقاله سعی بر این شده است که عقل از لحاظ لغت و اصطلاح بیان شود و آیاتی از قرآن درباره عقل آورده شده و روایاتی از معصومین راجع به عقل آورده تا مورد استفاده ی عموم قرار گیرد و باعث افزایش اطلاعات خود و دیگران شود.

کلید واژه ها: عقلانیت، آموزه های قرآن، آموزه های اهل بیت.

مقدمه

یکی از منابع و ابزار انسان در درک معارف عقل است، به نحوی که رد آن راه را برای بسیاری از معارف می بندد، و از صدر اسلام در آیات و روایات و احادیث پیامبر اکرم صلی الله برای جایگاه عقل تاکید وجود داشته است، عقل موهبت خدادادی است که خداوند متعال به انسان عطا فرموده است و انسان با آن تفکر و استدلال می کند و خوب را از بد تشخیص می دهد. قرآن کریم معجزه جاویدان اسلام است که داعیه ی هدایت انسانها را به سوی کمال مطلق دارد و در بسیاری از آیات به سوی حجت عقلی رهبری می کند و مردم را به تفکر و تعقل و تدبیر در آیات دعوت می نماید و علاوه لذ آیات قرآن، روایات نقل شده از معصومین علیه السلام نیز به بهترین وجه در پی آن است که استعدادهای فکری بشر را به فعلیت برساند و در نتیجه اندیشه و تعقل وی را بارور سازد و شکوفا کند.

با توجه به ارزش والا و جایگاه عقلانیت و واژه ی عقل در آموزه های دینی، لازم و ضروری دانستیم که در مورد جایگاه عقل در قرآن کریم و از نظر اهل بیت مطالبی را جمع آوری کنیم و اطلاعات خود و سایرین را در این زمینه افزایش دهیم (عقل) در قرآن کریم، فقط به صورت فعلی استعمال شده است و 49 بار از مشتقات (عقل) استفاده گردیده بنابراین در قرآن مجید واژه ی (عقل) به صورت اسم و حتی مصدر وجود ندارد. در مورد عقل مطالب زیادی نوشته شده است مانند: تفکر عقلی در کتاب و سنت. نویسنده حمید رضا رضائیا -تفکر از دیدگاه اسلام، نویسنده عباس محمود عماد- پژوهش های قرآنی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی آموزه های تربیتی در قرآن حدیث، دفتر مجله های تربیتی قرآن و حدیث و

اما در مورد جایگاه عقلانیت در آموزه های قرآن و اهل و بیت و روایات مطالبی یافت نشد از این لازم و ضروری دانستیم که این مقاله را گرد آوری کنیم باشد که مفید واقع شود.

روش مقاله به صورت کتابخانه ای می باشد که با توجه به منابع موجود و قابل دسترس، این مطالب از آن ها استفاده شده است.

عقل در لغت

عقل در لغت به معنای امساک و نگهداری، باز ایستادن و منع چیزی است.

درباره معنای لغوی عقل گفته شده است که عقل از "عقال" گرفته شده است که عقل به معنای طنابی است که به وسیله آن شتر سرکش را می بندند و به این دلیل به عقل. عقل می گویند. که این نیروی باطنی، شهوات و هواها و خواسته های شیطانی دورن انسان را به بند می کشد.

همچنین واژه عقل و مشتقات آن در لغت به معنای فهمیدن، دریافت کردن است. در قرآن نیز به معنای فهم و ادراک آمده است در روایات به معنای گوناگون استعمال شده است که یکی از معانی آن قوه ی تشخیص و ادراک و وادار کننده انسان به نیکی و صلاح و باز دارنده ی وی از نشر فساد است.

عقل در اصطلاح

عقل در اصطلاح به معنای جوهر مجرد به حسب ذات و فعل است عقل به نیروی که آماده پذیرش علم است گفته می شود و نیز به علم و دانش که با آن، نیروی باطنی انسان، سود می برد. عقل گفته می شود و از این رو امام علی علیه السلام فرموده است:

عقل دو گونه است عقل فطری و طبیعی و عقل اکتسابی از مسوعات. هر گاه عقل فطری در انسان باشد عقل اکتسابی و شینده ها سود نمی دهد چنانکه نور خورشید به چشمی نور ندارد بهره نمی دهد¹

¹ مفردات الفاظ قرآن

در اصطلاح فلاسفه ، عقل :

جوهر بسیطی است که حقایق اشیاء را درک می کند.

ادراک ذهنی اشیاء و گاهی بر شئی واقع می شود که به واسطه آن .ادراک برای انسان حاصل می گردد
قوه مجردات است.

در تعریف تعقل گفته اند تعقل یعنی :

- حضور ماهیت معقول نزد عاقل
- قبول کردن نفس صورت های عقلیه را ²
- ادراک ماهیات صورت های برهنه از ماده ³

مفهوم عقل

در لغت نامه دهخدا حدود سی نوع عقل ذکر شده است از جمله عقل اول (اصلی) عقل الهی ، عقل اساسی ، عقل هیولایی ، عقل بالقوه و مستفاد، عقل بالملکه و عقل متاثرو⁴

عقل نظری قوه ی عاقله است در انسان و آن یکی از دو قوه ی اوست در برابر عقل عملی .و کسانی که نفس را جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء می دانند عقل نظری را به سه مرحله عقل هیولایی و عقل بالملکه و عقل بالفعل تقسیم کرده اند و مرحله ی دیگری نیز به آن افزوده اند که عقل بالمستفاد است و آن مرحله ای است که از مرحله ی هیولایی و بالفعل گذشته و به مرحله ای رسیده باشد که برای حصول و حضور معلومات و استحضار امور نیازی به توجه و التفات نداشته باشد بلکه تمام نظریات بالفعل نزد او حاصل باشد

4

بنابراین عقل نظری عبارت است از قوه ی ادراک و و فهم و تدبر انسانی در امور مختلف و عقل عملی از نظر علماء لغت عبارت است از :

"قوه محرکه ی عمل است در انسان و حیوان .در مقابل عقل نظری .عقل عملی دارای مراتبی است که عبارتند از تجلیه و تخلیه و فناء فی الله باشد ⁵

² تفکر عقلی در کتاب و سنت ص ۲۴

³ دکتر عبدالله الفنی ،شامل مصطلحات فلسفه ص ۲۰

⁴ لغت نامه دهخدا ،دهخدا ،علی اکبر ج ۱۰، ص ۱۶۰۰۳

⁵ همان ص ۱۶۰۰۲

اما با امور قل بشری همواره دعوت به تدبیر، تعقل اعتبار شده و در زمینه عنایت به ادراک عقل، بیدار کردن عقول خفته و رها کردن آنها (از قیود خرافات و گمان و ... دینی مانند اسلام عمل نکرده²² است در سوره یونس /11/10 و سوره عنکبوت آیه 20 و سوره ذاریات آیات 20، 21 و انفال آیه 22 و ملک آیات 10 و 11 و و آیات بسیاری که خداوند در مورد جایگاه عقل آورده است

تجلیل از عقل در آیات و روایات

یکی از نمودهای بارز توجه به عنایت اسلام به عقل، تعبیر زیبا، رسا و بلندی است که در آیات و روایات شریفه در تجلیل از عقل بکار برده شده است. ارزش دادن به عاقل در مقابل جاهل معرفی نمودن عقل در دین اسلام است به نمونه های بارز این تعبیر که از کلام استاد مطهری نقل شده است توجه فرماید در اسلام و متون اسلامی سخنان فوق العاده بلند و عجیب درباره عقل گفته شده است اولاً خود قرآن دائماً دم از تعقل می زند گذشته از این در که وقتی شما کتاب های اخبار و احادیث ما آنقدر برای عقل اصالت و اهمیت قائل شده اند کتاب العقل است مثلاً اگر سراغ اصول کافی – حدیث را باز می کنید اولین بابی که می بینید بروید اصول کافی تمام ابواب حدیثی ما را دارد اولین بابی که با باز کردن این کتاب می بینید کتاب العقل است در این کتاب العقل احادیث شیعه از اول تا به آخر حمایت از عقل برخاسته است امام موسی بن خعفر (ع) تعبیر فوق العاده عجیب دارد می فرماید خدا دوحجت دارد دو پیغمبر دارد یک پیغمبر درونی که عقل انسان است و یک پیغمبر بیرونی که همان پیغمبرانی هستند که انسانند و مردم را دعوت کرده اند خدا دارای دوحجت است این دو حجت مکمل یکدیگر هستند یعنی اگر عقل باشد و انبیاء باشد بشر به تنهایی راه سعادت خود را نمی پیماید عقل نبی هر دو بایکدیگر یک کار را انجام می دهند دیگر از این بالاتر در حمایت عقل نمی شود گفت تعبیراتی از این قبیل که شاید خیلی شنیده باشید زیاد داریم خواب عاقل از عبادت جاهل بالاتر است خوردن عاقل از روزه گرفتن جاهل بالاتر است سکوت

قرآن و حدیث

سکوت عاقل از حرکت کردن جاهل بالاتر است و خداهیچ پیغمبری را مبعوث نکرد مگر آنکه اول عقل پیغمبر را به حد کمال رساند به طوری که عقل او از عقل همه امتش کامل تر بود و ما حضرت رسول را عقل کل می نامیم این باذوق مسیحیت هرگز جور در نمی آید چون

اصلا در مسیحیت عقل بادین دو حساب جداگانه دارند ولی ما پیغمبر را عقل کل می نامیم و می دانیم

بنابر این اهمیت و ارزش فوق العاده عقل در آیات و روایات اسلامی یکی از مسلمات و امور قطعی است که جای هیچگونه شک و تردید برای محقق با تنصاف باقی نمی گذارد

اکنون که اهمیت عقل از دیدگاه قرآن و اضح و روشن شد این سوال مطرح می گردد که آیا اهمیت و ضرورت توجه به عقل و دستورات آن را فقط در محدوده مسائل فردی و زندگی روز مره مورد تاکید قرار می دهد و یا اصولا قرآن برای احکام عقل سندیت و حجیت قائل است و حتی در مسائل شرعی و احکام دینی نیز آن را معتبر می شمارد؟ گرچه پاسخ این سوال بطور احتمال از مباحث گذشته روشن شده است

فضلیت عقل

در روایات معصومین علیه السلام از عقل و تعقل در عالی ترین درجه تمجید و تجلیل شده است. و آن ذات های مقدس، همه انسان ها را به سیر در مسیر عقل و منطق تشویق نموده اند. به ویژه از پیروان و شیعیان معصومین علیه السلام توقع تبعیت بیشتری وجود دارد در روایتی از رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم قوام انسان به عقل وی دانسته شده و حقیقت دین به عقلانیت تعریف گشته است به شکلی که بدون دارا بودن این فضلیت نمی توان دین را شناخت و از آن بهر مند شده "قوام المرء عقله و لا دین لمن لا عقل له"

در بیان مولا امیر المومنین علیه السلام فهم و درک در سایه سار عقل معنا پیدا می کند و ایشان آن را رسول حق معرفی نموده اند "من عقل فهم-العقل رسول الحق"

در حدیثی از امام صادق علیه السلام عقل به عنوان زینت و نور از ناحیه خداوند برای خلق ذکر شده و وسیله استدلال و شناخت خداوند معرفی گشته است "ان اول المور و مبادها و فوتها و عمارتها التی لا ینفع بشیء الا به العق الذی جعله اللهزینه و نورا لهم فبالعقل عرف العباد خالقهم و انهم مخلوقون"

آغاز و نخست هر چیز نیرو و آبادانی که هر سودی تنها به آن مربوط است عقل است. که خدا آن را زینت و نور برای برای خلقش قرار داده است پس با عقل، بندگان خالق خود را بشناسد و بدانند که آنها مخلوق خدا هستند و او مدبر و ایشان تحت تدبیر او هستند و این که خالقشان پایدار است و آنها فانی هستند و به وسیله عقول خویش با دیدن آسمان و زمین و خورشید و ماه و شب و روز استدلال کرده اند که او و این ها خالق و سرپرستی دارند ازلی و ابدی با عقل تشخیص زشت و زیبا دادند و دانستند در نادانی تاریکی و در علم و نور است این است آنچه به آنها راهنما گشته است.

جایگاه عقل از نظر اهل بیت

رجوع به عقل و پذیرش حکمیت عقل، همواره به عنوان یک اصل مسلم، مورد قبول بوده است، هشام بن حکم که از پرورش یافتگان مکتب فکری و عقلی امام صادق علیه السلام، از عمرو بن عبید که از پیشوایان مکتب عقل گرای ممتزلی است، پس از سوالاتی درباره کارکرد حواس، می پرسد: اگر اینها با یکدیگر اختلاف کنند چه باید کرد؟ او بدون مقدمه و با قاطعیت پاسخ می دهد که رجوع به عقل می کنیم. یعنی همان حکمیتی که در بیان ابن سینا بعدها مطرح می شود او نیز باور داشته است، و صد البته نیز مورد پذیرش هشام نیز بوده است، هر چند هشام بحث را به مسئله امامت کشانید تا بگوید که اگر قوای اداری به امامت عقل نیاز دارند و اختلافات خود را در پرتوی داوری های وی رفع می کند، مردم مسلمان به امامی نیاز دارند که عقل امت محسوب می شود و باید اختلافات آنها را رفع کند.²³

ابن سکیت اهوازی که دانشکند ادیب و فرهیخته ای بود، از امام دهم سوال کرد: که امروزه چه چیزی برای مردم حجت است؟ حضرتش در پاسخ فرمود ((عقل که به وسیله آن راستگو و دروغ گو به وسیله آن از یکدیگر شناخته می شود. در نتیجه راستگو تصدیق و دروغگو تکذیب می شود))²⁴

در عظمت و قداست و اصالت عقل همین اندازه بس که اسحاق بن عمار به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مرا همسایه ای است که بسیار نماز می گذارد بسیار صدقه می هد بسیار حج می گذارد حضرتش پرسید: عقلش چگونه است؟ پاسخ داد: از عقل بی بهره است. فرمود: با این کارها برتری پیدا نمی کند²⁵

همان امام عقل پرور و همان پیشوای خرد گستر و همان مقتدای بلند اختر فرمود: حجت خدا بر مردم، پیامبر و حجتی میان بندگان و خدا عقل است.²⁶

امام هفتم به هشام فرمود: خدای بر مردم دو حجت است حجت آشکار و حجت پنهان. اما حجت ظاهر رسولان انبیاء امان است، اما حجت باطن عقل آنهاست.

امام علی علیه اسلام فرمود: خردمند کسی نیست که نیک را از بد بشناسد، بلکه خردمند کسی است که از میان دو شر آنکه شرش کمتر است بشناسد²⁷

اصولا تکیه گاه پیامبرانی که تنها برای هدایت بشر مبعوث شده اند عقل است آنها می کوشیدند که چشم خرد انسانها را به جریان اندازند.

امام علی علیه فرمودند: خدای متعال پیامبران و رسولان خود را یکی پس از دیگری مبعوث کرد تا آنها را به ادای میثاق فطرت وادار کنند و نعمت های فراموش شده الهی را به یادشان آورند و دفینه های بیکران عقول را به فعالیت وا دارند²⁸

170 کلینی، 1388ق، ج یک، ص 196 و²³

24. 25. 24 کلینی 1388ق، ج یک ص

24 کلینی 1388ق ج یک ص

25 همان ص

65 مجلسی 1395 ق ج 78 ص²⁷

نهج البلاغه خطبه یک²⁸

حکیم قدوسی، خواجه نصیرالدین طوسی یکی از فواید بعثت انبیای الهی را تقویت و پشتیبانی عقول شمرده است.²⁹ بنا به روایات آخرالزمان تا آن دوران تمام علوم بشری به منزله حرف اول الفبا است ولی به برکت ظهور قائم منتظر عجل الله بشر به تمام الفبای علوم دست می یابد.³⁰

دین به تکامل علم و عقل بها می دهد چرا که در پرتو خرد و دانش است که دینداری مردم به کمال می رسد. دین عقول خفته را بیدار می کند و عقول ناقص را به سوی تکامل سوق می دهد.

نتیجه گیری

از دیدگاه قرآن، عقل فهمی است که مطابق فطرت انسانی باشد، و به عبارت دیگر فهمی است که با سلامت فطرت و دوری از هواهای نفسانی حاصل می شود.

منظور از عقل در کلام خدای متعال همان ادراک و درکی است که انسان به سبب آن تمام و کامل میشود البته با وجود سالم بودن فطرتش.

در بیان مولا امیر المومنین علیه السلام فهم و درک در سایه سار عقل معنا پیدا می کند و ایشان آن را رسول حق معرفی نموده اند.

و در حدیثی از امام صادق علیه السلام عقل به عنوان زینت و نور از ناحیه خداوند برای خلق ذکر شده و وسیله استدلال و شناخت خداوند معرفی گشته است.

151: علامه حلی 1375 ق²⁹

73 مجلسی 1384 ق³⁰ 52 ص 328 حدیث

منابع :

1. قرآن کریم، کلام الله تعالى.
2. نهج البلاغه، امير المومنين.
3. تفکر عقلی در کتاب و سنت، حمیدرضا رضا نیا
4. تفکر از دیدگاه اسلام، عباس محمود عماد
5. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الرسالة سبعینہ، 1958، مصر
6. سید قطب، خصائص النصور الاسلامی و مقومانه طبع دار الشروق - بیتا
7. پل فولیکه 1347-فلسفه عمومی مابعدالطبیعه ترجمه یحیی مهدوی، تهران انتشارات دانشگاه تهران
8. علامه حلی بی تا کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد قم. مکتب مصطفوی
9. علامه حلی بی تا کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد قم. موسسه امام صادق علیه السلام
10. کلینی، محمد بن یعقوب (1388ق). الکافی: دار الکتب اسلامی
11. مجلسی محمدباقر (1379ق) بحار الانوار ج 69، دارالکتب اسلامی
12. پیام قرآن، مکارم شیرازی، قم موسسه امام صادق علیه السلام
13. اصول کافی، ثقه الاسلام کلینی محمد بن یعقوب 1388ق
14. المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی
15. مجمع البحرین فخرالدین الفرهی
16. مفردات الفاظ قرآن راغب اصفهانی
17. پیام قرآن مکارم شیرازی
18. اصول کافی، ثقه الاسلام کلینی.